



نهضت ملی
زندگی با آیه ها

تدبری در آیات قرآن با موضوع مقاومت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نہضت ملی زندگی بآریہ سما

طراحی و تنظیم: حسین قلعه نوئی
به سفارش اداره امور قرآنی اداره کل تبلیغات اسلامی خراسان شمالی
پاییز ۱۴۰۳

فهرست

- مقدمه (سخن مقام معظم رهبری حفظه الله تعالى) ۱
- سخن مدیر کل ۳
- آیات ۱۷۲ تا ۱۷۷ سوره آل عمران ۵
- آیات ۱۳۸ تا ۱۴۲ سوره آل عمران ۹
- آیه ۷۸ سوره الحج ۱۲
- آیات ۲۴۹ تا ۲۵۲ سوره بقره ۱۴
- آیات ۱۱ تا ۱۷ سوره جن ۱۶

ما معارفی در قرآن داریم که این مفاهیم حقیقتاً سازنده‌ی زندگی مقتدرانه و عزّتمندانه‌ی امت اسلامی است؛ حقیقتاً مایه‌ی نجات امت اسلامی از گرفتاری‌ها است؛ در قرآن این مفاهیم را داریم. برای اینکه این مفاهیم مورد عمل قرار بگیرد و تحقق پیدا کند، اوّل باید این مفاهیم را جزو بیّنات افکار جامعه‌ی اسلامی قرار داد و کاری کرد که برای جامعه‌ی اسلامی این مفاهیم قطعی و روشن بشود که هیچ‌چیزی جلوی آن را نتواند بگیرد. باید کاری بکنیم که این مفاهیم در جامعه‌ی اسلامی تبدیل بشود به مسلمات فکری، به رایج‌ترین افکار مشترک بین همه‌ی قشرهای مردم







با توجه به اهمیت بیان شده از سوی قرآن کریم و آموزه‌های دینی درباره مقاومت و پایداری در برابر ظلم و تجاوز، بر آن شدیم تا مواردی از آیات کتاب الهی و چگونگی تبلور این آموزه‌ها در باب مقاومت را به نگارش در بیاوریم.

قرآن کریم، کتاب هدایت و نور، در آیات متعدد بر اهمیت مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم تأکید ورزیده است. این کتاب آسمانی به مسلمانان فرمان می‌دهد که در مقابل تجاوزگران و ستمگران ایستادگی کنند و از حق خود دفاع نمایند. آیه‌ای که این مفهوم را به خوبی بیان می‌کند، آیه ۳۹ سوره حج است که خداوند متعال می‌فرماید: "أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأْنَهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ" این آیه شریفه نشان‌دهنده اهمیت مقاومت در راه خدا و اذن جهاد در برابر ظالمان و برای حفاظت از مظلومین و مستضعفین جهان است و در انتهای این آیه شریفه خداوند به صراحت بیان می‌کند که نصرت الهی شامل حال مجاهدان در راه خدا خواهد شد و خداوند بر این امر قادر و توانا است.

در همین راستا، حرکتهای مقاومت در مناطق مختلف مانند لبنان و غزه توسط مجاهدان حزب الله و حماس به عنوان بارزترین جبهه‌های مقاومت در برابر اسرائیل شناخته می‌شوند. این گروه‌ها با الهام از آموزه‌های قرآنی، توانسته‌اند الگویی شگرف از پایداری و مبارزه در برابر ظلم و تجاوز را ارائه دهند. مقاومت غزه و لبنان از جمله مصداق‌های عینی است که با اتکا بر ایمان و اراده قوی، در برابر چالش‌های بزرگ ایستاده‌اند و برای عدالت و آزادی تلاش می‌کنند.

این کتابچه با هدف توجه به ارزش‌ها و آموزه‌های قرآنی و نیز برجسته‌سازی نقش مقاومت در برابر دشمنان امت اسلامی از نگاه آیات قرآن کریم نگاشته شده است. امید است این تلاش‌ها با یاری خداوند متعال و همدلی مسلمانان سراسر جهان به ثمر بنشیند و صلح و عدل در منطقه و جهان گسترش یابد.

حمیدرفیعی

مدیرکل تبلیغات اسلامی خراسان شمالی



هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ ﴿١٣٨﴾

وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ

إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٣٩﴾

إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ

وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ

وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ

وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿١٤٠﴾

وَلِيَمْحَصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ ﴿١٤١﴾

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ

جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ ﴿١٤٢﴾

اگر مسلمانان در جنگ احد شکست خوردند، نباید از حقانیت خود و نابودی کافران و مشرکان ناامید شوند، زیرا سنت الهی بر این بنا شده که سرانجام کفر و شرک نابودی و رسوایی است و این جریان تجربه‌ای تاریخی است که قابل استفاده برای همه است «هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَ جِهَتٌ دَعْوَى وَ تَفْکُرٌ رَّاهِبَرْدِی نَسَبَتْ بَهِ آئِنْدَه است: زهدی و نصیحتی را برای پرهیزکاران به دنبال دارد: «وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ»

و آن نصیحت این است که در برنامه های پیش روی خود سست نشوید «وَلَا تَهِنُوا» و درباره گذشته و شکستی که در جنگ احد داشتید، اندوهگین نباشید: «وَلَا تَحْزَنُوا»؛ زیرا شما از هر جهت بر کافران و مشرکان برتری دارید و قرآن و پیامبری که شما به آن معتقدید، امتیازی است که شما را بر همه امت ها برتری می دهد «وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ» البته اگر به قرآن و رسول خدا (ص) ایمان واقعی داشته باشید: «إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»



دشمنان و منافقان با پدید آوردن تخویف و تحزین هیچ ضرری نمی توانند به خدا وارد کنند: «إِنَّهُمْ لَنْ يَنْظُرُوا اللَّهَ شَيْئاً» خداوند در راستای خدعه و نفاق که آنها دارند. برای آنها در آخرت هیچ بهره ای قرار نمی دهد: «يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حِطًّا فِي الْآخِرَةِ»، بلکه عذاب گسترده ای در انتظار آنهاست.

«وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» منافقان ایمان را فروخته و در برابر کفر را خریدند: «إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ» و هرگز با این نفاق و میل به کفر نمی توانند دین خدا و اسلام را نابود کنند.

«لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئاً» و آنها با نفاق خود و فرار از میدان جهاد خواستند به راحتی و آسایش دست بیابند، ولی برای آنها عذابی دردناک خواهد بود: «وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» مجموعه این آیات، تمجید از واکنش شجاعانه مؤمنان در برابر تخویف بی اثر منافقان پس از شکست جنگ احد است و باید این مؤمنان الگو برای دیگران باشند.

سپس به عامل سستی و حزن برخی از مسلمانان اشاره می کند که دو چیز بود یکی شکست در جنگ احد و دیگری شایعه قتل پیامبر خدای خداوند درباره عامل نخست می فرماید: اگر در جنگ احد به شما جراحت و شکست وارد شد و هفتاد نفر از دلاور مردان و بزرگانتان را از دست دادید مشرکان نیز در جنگ بدر شکست خوردند و بزرگان خود را از دست دادند «إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ» پس این شکست نباید شما را ناامید کرده و از مسیر اسلام و ایمان باز دارد؛ زیرا ما این تحولات روزگار را میان مردم به گردش می آوریم و یک روز، شکست برای دشمن است و یک روز هم برای شما که سستی کردید «وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ» البته همه این تحولات قانون مند بوده و اتفاق نیست؛ بلکه اهداف فراوانی دارد. یکی از آنها این است که خداوند مؤمنان حقیقی را برای همگان مشخص و معلوم کند: «وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا» مراد از علم در «لِيَعْلَمَ اللَّهُ».



علم فعلی خداوند است، نه علم ذاتی الهی؛ زیرا در علم ذاتی خداوند مشخص است که چه کسانی ایمان حقیقی دارند و چه کسانی فقط ادعای پوچ ایمان می کنند؛ از این رو، خداوند آزمایش ها و ابتلائاتی قرار میدهد تا علم ذاتی خداوند ظهور و بروز کرده و در خارج فعلیت یابد و اتمام حجتی باشد بر کسانی که فقط صرف ادعای ایمان را داشته اند ولی آن هنگام که باید از پیامبر خود پیروی و حمایت کنند، نافرمانی و عرصه جنگ را رها کردند. هدف دیگر از ابتلائات دنیوی این است که از میان شما گواهانی بگیرد تا شهادت دهند که پیروزی ها دستاورد تقوا و پیروی از دستورات خداست و شکست ها محصول نافرمانی است: «وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ» مراد از شهدا کشته شدگان در راه خداوند نیست؛ زیرا مقتول فی سبیل الله در قرآن با واژه شهید به کار برده نمی شود و بدانید که خداوند ستمگران را دوست ندارد «وَاللّٰهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ».

و گمان نکنید که اگر برای مشرکان پیروزی پیش آمد خداوند آنها را دوست دارد بلکه پیروزی آنها نتیجه سستی شما در پیروی از دستورات پیامبر اکرم بود و خداوند اراده کرد در این میدان جنگ، افراد با ایمان را خالص گرداند و نقاط ضعفشان را به آنها نشان بدهد: «وَلَيَمَحْصَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا» و خداوند درباره پیروزی کافران بی تفاوت نیست بلکه اراده کرده است که کافران را به تدریج نابود سازد «وَيَمَحَقَ الْكَافِرِينَ» و خداوند در راستای باطل کردن گمانی پوچ که در اذهان برخی مسلمانان بود می فرماید آیا گمان باطل داشته اید که با صرف ایمان و بدون عمل وارد بهشت می شوید «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ» در حالی که هنوز علم خداوند در خارج تحقق و فعلیت نیافته است و آنان را که در راه خدا جهاد کرده و اهل صبراند، از دیگران مشخص نکرده است: «وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ».



و سپس خداوند به نفاق برخی از مسلمانان که میان گفتار و کردارشان تفاوت است اشاره می کند. مسلمانانی که در گفتار شهادت طلب بودند و آرزوی شهادت را پیش از ملاقات با جبهه کفر به زبان می آوردند: «وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ» ولی هنگامی که در میدان نبرد در برابر دشمن قرار گرفتند، به شک و تردید افتاده و تماشا کردند و هنگامی که جان خود را در خطر دیدند، میدان جنگ با دشمن را رها کردند: «فَقَدْ رَأَيْتُمْوَهُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ» پس شکست در جنگ احد ابتلائی بود برای تشخیص ایمان و نفاق مسلمانان؛ زیرا منافقان ادعایشان از همه بیشتر است و باید چنین آزمایش هایی باشد تا مؤمنان از منافقان متمایز شوند.

آیه محوری:

«لَا تَهْنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ
إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»

(آل عمران/ ۱۳۹)



در جهان بینی الهی عامل پیروزی سلاح و تجهیزات نیست بلکه ایمان است و در سایه ایمان می توان بر همه جهان پیروز شد بنابراین مومن بالله به وعده الهی نباید سستی و اندوه به خود راه دهد و باید در سایه ایمان به خدا در برابر شکست ها و مشکلات استقامت بورزد.



الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ
أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرَ عَظِيمٍ ﴿١٧٢﴾

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ
فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ

وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ﴿١٧٣﴾

فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمَسْسَهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا

رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ ﴿١٧٤﴾

إِنَّمَا ذَلِكَ الشَّيْطَانُ يَخَوْفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا إِيَّاهُ

كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٧٥﴾

وَلَا يَحْزُنُكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ

شَيْئًا يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حِزًّا فِي الْآخِرَةِ

وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٧٦﴾

إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا

وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٧٧﴾

مشرکان مکه پس از پیروزی در جنگ احد از اینکه به مدینه یورش نبرده تا پایه اسلام را نابود کنند، سخت پشیمان شدند. دوباره ابوسفیان و سپاهیانش تصمیم گرفتند که بازگشته و به مدینه حمله کنند. خبر به پیامبر اکرم (ص) رسید و حضرت دستور داد که افراد باقیمانده از مسلمانان در کمین آنها بایستند و از حمله مجدد آنها جلوگیری کنند. همین استقامت شجاعانه مؤمنان، سبب ترس دشمن و بازگشت آنها شد؛ از این رو این آیات در شأن مؤمنان پایدار در میدان جنگ نازل شد؛ آنان که گرفتار جراحات و شکست شده بودند ولی به دستور پروردگار به برپایی جهاد و فرمان رسول خدا (ص) و بازگشت به میدان جهاد پاسخ دادند: «الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ» برای این مؤمنان که به بهترین گونه، دستور خدا و رسول را اجابت و تقوای الهی پیشه کردند پاداش گسترده ای نزد خداوند خواهد بود.



«لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ» خداوند در تمجید از استقامت آنها می فرماید: با اینکه برخی از مردم به آنها خبر دادند که سپاه مشرکان برای هجوم به شما دوبار اجتماع کردند، بترسید و به پیکار دوباره آنها نروید «وَالَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ» ولی شجاعانه تصمیم به استقامت گرفتند و به ایمان و توکل آنها افزوده شد؛ «فَزَادَهُمْ إِيمَانًا» و در پاسخ به آنها گفتند: ما خداوند را داریم و او برای یاری ما بس است «وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ» و خداوند چه بسیار حامی و وکیل خوبی است (وَنِعْمَ الْوَكِيلُ) در نتیجه در راستای این توکل و افزایش ایمان به دست آمده آنها از این میدان با نعمت و فضل پروردگارشان بازگشتند، در حالی که هیچ ناراحتی و زیانی به آنان نرسید و از عهده آزمون الهی به خوبی برآمدند «فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمَسَّ لَهُمْ سُوءٌ» و با استقامت خود و اجابت پیامبر (ص) خشنودی خداوند را پیروی کردند و هدفشان جلب رضایت الهی بود.

«وَاتَّبِعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ» و فضل گسترده الهی شامل آنها خواهد شد «وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ» سپس خداوند در راستای تقویت ایمان مؤمنان خطاب به آنها می فرماید: آگاه باشید که شیطان فقط قادر است اولیاء و پیروان خودش را بترساند. «إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَائَهُ» و شما مؤمنان که با پیروی از رسول خدا (ص) از اولیاء الله به شمار می آیید، نباید از شیطان و مشرکان بترسید. «فَلَا تَخَافُوهُمْ» بلکه مؤمن حقیقی، توحید در خوف دارد. او فقط از خداوند می ترسد و تقوای الهی پیشه می کند «وَوَ خَافُونَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» علاوه بر اینکه باید در برابر تخویف دشمن بایستید، در برابر تحزین آنها نیز استقامت داشته باشید و اجازه ندهید که دشمن و کسانی که به کفر گرایش دارند شما را محزون و اندوهگین کنند «وَلَا يَحْزُنُكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ» تفاوت تخویف و تحزین در این است که تخویف ترس از آینده است ولی تحزین اندوه گذشته است.



دشمنان و منافقان با پدید آوردن تخویف و تحزین هیچ ضرری نمی توانند به خدا وارد کنند: «إِنَّهُمْ لَن يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا» خداوند در راستای خدعه و نفاق که آنها دارند. برای آنها در آخرت هیچ بهره ای قرار نمی دهد: «يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حَظًّا فِي الْآخِرَةِ»، بلکه عذاب گسترده ای در انتظار آنهاست.

«وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» منافقان ایمان را فروخته و در برابر، کفر را خریدند: «إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ» و هرگز با این نفاق و میل به کفر نمی توانند دین خدا و اسلام را نابود کنند.

«لَن يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا» و آنها با نفاق خود و فرار از میدان جهاد خواستند به راحتی و آسایش دست بیابند، ولی برای آنها عذابی دردناک خواهد بود: «وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» مجموعه این آیات، تمجید از واکنش شجاعانه مؤمنان در برابر تخویف بی اثر منافقان پس از شکست جنگ احد است و باید این مؤمنان الگو برای دیگران باشند.

آیه محوری:

«وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ»

(آل عمران/ ۱۷۳)



خداوند در تمجید از استقامت مومنان می‌فرماید
اهل ایمان به واسطه ایمان و توکل به خدا در برابر
تهدیدات دشمنان ایستادگی می‌کنند و در این مسیر
خداوند را برای خود کافی می‌دانند.



وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ
 عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ
 سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ
 شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا
 الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ
 الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ



خداوند در این آیه خطاب به اهل ایمان پنج دستور را قرار داده که می فرماید رکوع کنید، سجده ها به جا آورید، به عبادت پروردگارتان پردازید و کار نیک انجام دهید و در آیه بعد به پنجمین ویژگی اهل ایمان که جهاد است اشاره دارد. می فرماید: «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ»

در راه خدا جهاد کنید و حق جهادش را ادا نمایید. سنگ تمام بگذارید. انتظار خداوند این است که یک زندگی جهادی داشته باشید؛ اما این زندگی جهادی ویژگی هایی دارد که یکی از ویژگی های آن باید جهاد جمعی داشته باشیم. بایک زندگی فردی نمی شود مشکلات را حل کنیم.

ویژگی دوم زندگی جهادی برای خدا باشد. در راه خدا جهاد کنید «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ...» که اگر در این راه جان خود را از دست دادید به فیض شهادت نائل می شوید. «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» البته راه خدا همان راه خدمت به مردم است که اگر کاری برای خدا بود در حقیقت برای مردم انجام دادیم.



ویژگی سوم که جهاد حداکثری با تمام توان باشد؛ هر چه می‌توانید به میدان بیاورید که یکی از اثرات آن، انسان قدرت و توانایش را برای حل مشکلات می‌گذارد راه‌ها باز می‌شود: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» بنابراین جهادی ارزش دارد که با تمام توان در راه خدا باشد. و از طرفی خداوند مومنین را انتخاب کرده پس باید به شکرانه‌ی برگزیدگی و سابقه و لیاقت و گواه بودن امت اسلام، با نماز و زکات و تمسک به خدا، از این افتخارات را پاسداری کنیم. «هُوَ اجْتَبَاكُمْ... فَأَقِمْوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ»

نهیست علی زندگی با آیه‌ها

آیه محوری:

«وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ»

(الحج ۷۸)



* در راه خدا جهاد کنید جهاد هم به صورت جمعی باشد و هم برای خدا

* حق جهاد معنی وسیعی را شامل می‌شود و انسان باید از نظر کیفیت و کمیت اعمال کاملاً تلاش کند که حق مطلب را ادا کند و در انجام کارها برای خدا کوشش نماید. بنابراین ارزش کارها به انگیزه آن بستگی دارد و جهادی ارزش دارد که با تمام توان در راه خدا باشد.



فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ
 فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا
 مَنْ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرَبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا
 جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ
 بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ
 مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةٌ كَثِيرَةٌ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ
 الصَّابِرِينَ ﴿٢٤٩﴾ وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا
 أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبَّتْ أَقْدَامُنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ
 الْكَافِرِينَ ﴿٢٥٠﴾ فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُودُ
 جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا
 دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ
 اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٢٥١﴾ تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ
 نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٢٥٢﴾

پس از اینکه بنی اسرائیل فرمانروایی طالوت را پذیرفتند، وی سپاه را برای فتح کردن سرزمین های اشغال شده توسط دشمن حرکت داد: «فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ» و با اینکه در گذشته، میان آنها ریزش انجام گرفته بود و گروهی از آنها پس از صدور فرمان جهاد به حکم خداوند پشت کردند ولی هنوز نیز درون سپاه، افرادی سست عنصر و ضعیف الایمان بودند و وجودشان در سپاه طالوت ممکن بود اختلاف افکنی کرده و پیروزی بر دشمن را به خطر بیاندازد؛ از این رو طالوت از سوی خداوند مأمور شد، اراده ی آنها را بیازماید پس به آنها گفت خداوند اراده کرده است که شما پیش از رویارویی با لشکر جالوت، به وسیله ی نهر آبی که پیش رو داریم امتحان شوید: «قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِیْکُمْ بِنَهَرٍ» و شما به دستور خداوند اجازه ی نوشیدن از آن را ندارید؛ مگر فقط به اندازه یک جرعه، پس اگر کسی از شما از آب سیراب بنوشد از من نیست و دیگر اجازه ی همراهی سپاه را ندارد: «فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّی»



اما کسانی که از آن نهر هیچ ننوشند، به طور قطع آنها در اراده‌ی خود در پیروی از دستور خدا و جهاد با دشمنان مقاوم و محکم و از من اند، مگر آن که کف آبی به دستش برگردد، که او هم نیز، اجازه‌ی همراهی با سپاه را دارد: «وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنْ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ» ریزش دوم نیز انجام گرفت و گروه زیادی از سپاه طالوت از دستور خداوند سرپیچی کرده و جزا ند کی از آنها همگی از آن نهر نوشیدند: (فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ) سپس طالوت با گروه اندکی که از امتحان الهی پیروز شدند به راه افتادند. گروهی از بنی اسرائیل که طاقت نیاورده بودند و لبی به آب زده بودند تا زیادی لشکر جالوت را دیدند، ترسیده و گفتند: ما در این روز توان مقابله با جالوت و سپاهیان‌ش را نداریم: (فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ) ولی کسانی که با استقامت کامل حتی ذره‌ای آب را نیز نچشیده بودند و باور داشتند که به طور قطع سرانجام همه، ملاقات با خداوند است با شجاعت و صلابت گفتند چه با گروه اندکی که به توفیق خدا بر جمع

زیادی پیروز شدند: «قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ» و خداوند با افراد صبور است و آنها را یاری می کند «وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» و هنگامی که طالوت و مؤمنان همراه او برای جنگ با جالوت و سپاهیان‌ش در برابر یکدیگر قرار گرفتند: «وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ» دست به دعا برداشته و در خطاب به خداوند گفتند: پروردگارا بر ما صبر و شکیبایی فرو ریز و ما را در میدان جنگ ثابت قدم نگه دار: «قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا» و ما را بر این گروه کافران پیروز گردان: «وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» پس یاری از سوی خداوند رسید و مؤمنان توانستند به اذن الهی لشکر جالوت را شکست دهند «فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ» و حضرت داود که در آن زمان جوانی از سپاه طالوت بود، جالوت را به هلاکت رساند «وَقَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ» و خداوند نیز در پاداش به حضرت داود سلطنت و فرمانروایی و حکمت را به او بخشید «وَأَتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ»



و خداوند هر آنچه از دانش که می‌خواست و داود برای مدیریت به آن نیاز داشت، به او آموخت؛ مانند داوری کردن، بافتن زره از آهن و آگاهی به زبان پرندگان: «وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ» و اینکه گروهی از مؤمنان اندک با شجاعت و صلابت در برابر گروه زیادی از دشمنان مقاومت می‌کنند و دشمن ظالم را کنار می‌زنند همه عنایات خداوند است و اگر نبود این عنایات الهی و مقاومت برخی در برابر ظالمان جهان، به طور قطع، همه‌ی زمین به دست اشغالگران ظالم می‌افتاد و در نتیجه همه‌ی زمین را فساد پر می‌کرد: «وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ» ولی خداوند دارای فضل بر همه‌ی جهانیان است و حکم جهاد را وضع کرد و از این راه جلوی قدرتمند شدن بیش از حد ظالمان را گرفت: «وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ» مجموعه‌ی این مطالب، که این دو دسته در آیات بیان شد، نشانه‌های خداوند و مصداقی از اخبار غیبی است که با همه‌ی جزئیات برای رسول خدا بیان شده است؛ «تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ» و این مطالب، به حق بر تو تلاوت می‌شود و چیزی از آن کاسته نمی‌شود: «نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ» و این آیات و اخبار غیبی، نشانه‌ای بر حقانیت رسالت تو نیز هست: «وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ»

آیه محوری:

«كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ»

(البقره/۲۴۹)



چه بسیار گروهی اندک به یاری خداوند بر
سپاهی بسیار غالب و پیروز می آیند.
مومنان اگرچه از جهت کمی اندک باشند اما به
واسطه صبر و استقامت بر گروه های عظیمی پیروز
شدند بنابراین فراوانی عده و عده دشمن در برابر
اراده الهی چیزی نیست.



وَأَنَا مِنَ الصَّالِحِينَ وَمِنَّا دُونَ ذَلِكَ

كُنَّا طَرَائِقَ قَدَدًا ﴿١١﴾

وَأَنَا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ نُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ

وَلَنْ نُعْجِزَهُ هَرَبًا ﴿١٢﴾

وَأَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَى آمَنَّا بِهِ فَمَنْ يُؤْمِنُ بِرَبِّهِ

فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا ﴿١٣﴾

وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ

فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا ﴿١٤﴾

وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا ﴿١٥﴾

وَأَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ

لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا ﴿١٦﴾

لَنَفْتَنَّهُمْ فِيهِ وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ

يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا ﴿١٧﴾

از سیر هدایت یافتن خویش می گویند: ما گروه های مختلفی بودیم؛ گروهی نیکو کار و گروهی جز آن که هر یک راهی در آسمان داشته و برای استماع اخبار غیبی و یا دخالت در نظام تدبیر عالم، حرکت می کردیم.

«وَأَنَا مِنَ الصَّالِحِينَ وَمِنَّا دُونَ ذَلِكَ كُنَّا طَرَائِقَ قَدَدًا» اینک باور داریم که هرگز نمی توانیم با فساد در زمین خدا را در آنچه برای آن مقرر کرده ناتوان سازیم و هرگز نمی توانیم از دست او بگریزیم و او را به ستوه آوریم.

«وَأَنَا ظَنَّنَا أَنْ لَنْ نُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَنْ نُعْجِزَهُ هَرَبًا» و همانا ما هنگامی که آیات این قرآن هدایتگر را شنیدیم، بی درنگ به آن ایمان آوردیم؛ زیرا هر کس به آن ایمان آورد به پروردگارش ایمان آورده و هر کس به پروردگارش ایمان آورد دیگر باکی ندارد از اینکه خبری از او کاسته شود یا امری ناخوشایند بر او چیره گردد.



دشمنان و منافقان با پدید آوردن تخویف و تحزین هیچ ضرری نمی توانند به خدا وارد کنند: «إِنَّهُمْ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا» خداوند در راستای خدعه و نفاق که آنها دارند. برای آنها در آخرت هیچ بهره ای قرار نمی دهد: «يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حِطًّا فِي الْآخِرَةِ»، بلکه عذاب گسترده ای در انتظار آنهاست.

«وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» منافقان ایمان را فروخته و در برابر کفر را خریدند: «إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ» و هرگز با این نفاق و میل به کفر نمی توانند دین خدا و اسلام را نابود کنند.

«لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا» و آنها با نفاق خود و فرار از میدان جهاد خواستند به راحتی و آسایش دست بیابند، ولی برای آنها عذابی دردناک خواهد بود: «وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» مجموعه این آیات، تمجید از واکنش شجاعانه مؤمنان در برابر تخویف بی اثر منافقان پس از شکست جنگ احد است و باید این مؤمنان الگو برای دیگران باشند.

«وَأَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَى آمَنَّا بِهِ فَمَنْ يُؤْمِنُ بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا» این سخن جنیان ترغیب سایران به ایمان و اعتقاد به حق است. همچنین ترتیب مذکور نشان می‌دهد که آنان دریافته بودند که ناتوانی‌های به وجود آمده با نزول قرآن در ارتباط بوده است.

جنیان مؤمن پس از بیان ایمانشان به هدایت الهی در بیانی آمیخته با تبشیر و انداز جنیان را برابر این هدایت به دو گروه تقسیم کرده، عاقبت هر گروه را بیان می‌کنند یک طایفه آنهایی که تسلیم امر خدا و مطیع اویند و طایفه دیگر کسانی که از تسلیم امر خدا شدن با وجود حق بودن آن عدول کرده و به باطل گراییده‌اند. کسانی که تسلیم امر خدا شده‌اند آنان اند که در صدد یافتن حقیقت و پیدا کردن حق بر آمدند: «وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا» و اما باطل گرایان هیزم دوزخ‌اند. «وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا» و با سوختن در آتش خود، کیفر خواهند دید.



تسلیم شدگان امر خداوند به دو گروه تقسیم می شوند:
 کسانی که در راه اسلام استقامت می ورزند که در این صورت
 خداوند نعمتی فراوان روزی شان می کنند. «وَأَنَّ لَوْ اسْتَقَامُوا
 عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا» تا آنان را با این افزایش روزی
 بیازماید: «لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ» و کسانی که از یاد خدا رویگردان شده بر
 مسیر دین استقامت نمی ورزند که در این صورت به عذابی
 فزاینده در خواهند آمد: «وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا
 صَعَدًا»

آیه محوری:

«أَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ
لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا»

(الجن/۱۶)



کسانی که تسلیم امر الهی هستند در راه اسلام
استقامت می ورزند و به واسطه این استقامت نعمت
فراوانی روزی شان می گردد.

أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ
أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا

سوره محمد آیه ۲۴

پس آیا در قرآن نیک در نمی‌اندیشند
[تا تمام زوایا و ابعاد آن را دریابند]
یا بر دل‌هایی که قفل‌ها [ی ویژه]
به آنها زده شده است؟



اداره تبلیغات اسلامی